

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

از نه سال پیش، از اردیبهشت ماه مجلسی بنام «کنفرانس ملی کار» تشکیل میشود که در آن گروهی از دولتیان و صاحبان صنایع و تنی چند از نمایندگان سازمان دولتی کارگران گرد هم می آیند تا باصطلاح خود، تکنهای کار را مورد بحث قرار دهند. این کنفرانس همیشه با یک پیام از جانب شاه (که یکی از درباریان آنرا میخواند) آغاز میشود. سپس نخست وزیر، وزیر کار و رئیس اطاق صنایع و

«کنفرانس ملی کار»

مجمعی برای عوام فریبی و توجیه تشدید بهره کشی

هدفهای سیاست توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران است. و فراین زمینه از کنفرانس خواست: «با ارائه راه حل‌های مناسب و منطقی، مزد و بهره‌وری کار را بیش از گذشته بهم نزدیک و مرتبط سازد تا کارگر دلشوزی بیشتر - انضباط بیشتر و کار آلی بیشتر در افزایش تولید و بهبود کیفی آن نشان دهد. همین اظهارات شاه در باره «انضباط بیشتر» «دلسوزی بیشتر» و «کار آلی بیشتر» هدف اصلی کنفرانس را که تشدید استثمار کارگران است بخوبی نشان میدهد.

معادن مطالبی میگوید و آنگاه طی سه روز دیگر شرکت کنندگان سخنرانی‌هایی میکنند که معمولاً متضمن ستایش از بهره‌ریایی «خرمندان» شاه است. کمیسیون‌هایی هم برای بررسی موضوعات اصلی کنفرانس تشکیل میدهند و سرانجام قطعنامه طومارمانندی تنظیم میکنند که مواد اصلی آن در پیام‌شاه معین شده است. قطعنامه‌های کنفرانسها جنبه توصیه دارد و اجرایی آنها برای هیچ ارگانی الزامی نیست.

مسئله تشدید استثمار

سخنران نخست وزیر و وزیر کار نیز امسال حاکی از آن بود که صنایع ایران با دشواری‌هایی جملی روبه‌روست. بطوریکه دیگر نمیتوان در باره آنها سکوت کرد. پروژه آمارهایی که در زمینه‌های مختلف در کنفرانس مطرح گردید نشان داد که چشم انداز رشد صنایع ایران تیره و تار است. این اعتراضات پس از آنست دنباله در صفحه ۲

در کنفرانس نهم که امسال از ۲۵ تا ۲۷ اردیبهشت برگزار شد بطور عمده بر روی آنچه که در زمانهای اخیر «ضایعات نیروی انسانی کار» مینامند و با گرایش رژیم به تشدید بهره‌وری کارگران و زحمتکشان مشخص میگردد تکیه شده بود. شاه در پیام خود تأکید کرد: «افزایش بهره‌وری از

نتیجه زیانبخش توطئه امپریالیسم و عمال او علیه اوپک

نفت) به ده درصد بالا برد و در مقابل یازده کشور اوپک از افزایش پنج درصد دیگر در ماه ژوئیه صرفنظر نمایند. زکی یعنی جاسوس سیا عامل کارتهای نفت و وزیر نفت کشور سعودی حتی این پیشنهادها را هم رد کرد. باید گفت از این بالا تر نمیتوان به نفع خلق خود و دیگر قاطعاً خیانت کرد! بیستم در این پنج ماه که امپریالیسم و عوام‌لش بتوطئه علیه اکثریت قاطع اوپک از هر جهت ادامه دادند چه حوادثی رخ داد و به این سؤال پاسخ دهیم که اگر این یازده کشور بز سر تصمیم خود متحداً میایستادند چه فاجعه ای رخ میداد؟

سر انجام توطئه امپریالیسم و کارتهای نفت ی عربستان سعودی و سازشکاران درون اوپک علیه یازده کشور عضو که طبق آن میبایست بهی آغاز ژوئیه ۱۹۷۷ پنج درصد افزایش یابد بدانجا کشاند که این کشورها از اجرای تصمیم تم پویشی کنند. در این باره روزنامه نیمه رسمی «ایرنشال هرالد تریبون» در ۱۴ ماه مه در مقاله خود زیر عنوان «اوپک اعلام داشته که بهی نفت را در اول ژوئیه پس گرفته است» بتو تصمیم یازده کشور اوپک را بمشابه پیروزی سعودی در فرون اوپک منتشر کرد. این خبر منابع دیگر نیز تأیید گردید.

چنانکه میدانیم یازده کشور عضو اوپک در پایتخت قطر در نیمه ماه دسامبر ۱۹۷۶ باتوجه سریع بهی صادرات کشور های بزرگ صنعتی نفت (مست کم ۳۵ درصد) و بااین آمدن خرید دلار، ثابت ماندن بهی نفت در مدتی معین گرفتند برای ششماه یعنی از اول ژانویه تا آغاز ژوئیه همین سال ده درصد و از آن اول ژوئیه پنج درصد دیگر بهی نفت بیفزایند. کوچک از زبان حاصل از عدم توازن میان بهی واردات از کشور های بزرگ خریدار نفت را نمایند. در این اجلاس امپریالیسم ایران که همواره با سعودی بعنوان بزرگترین صادر کنندگان دیگر کشور های (اوپک) را زیر فشار و تنگنا ول «اعتدال» و «میانه روی» وامیداشتند (درعین به بخاطر جلوگیری از تزلزل اقتصاد بیمارغرب و اعتدال و نقش ترمز کننده خود را در برابر ای عادلانه کشورهای مانند عراق، لیبی و الجزیره امارت افزایش حتی تا ۳۵ درصد بودند) ایفا بدت نیاز فراوان بیول برای خریداسلحه و انجام ت. خود در قبال امپریالیستها» با عربستان سعودی ب شاه خلیج فارس این بیلر همگامی نکرد را در موضعی مناسب تر از او در درون اوپک در عربستان سعودی و اخوی کوچکش امارات عربی در اجلاسیه حوجه ابتدا با هر گونه افزایش بت مخالفت کردند و سپس برای جلوگیری از طلاق خود (و نه بخاطر حفظ وحدت اوپک) و داغ تنگ تازه ای که در میان خلفای منطقه بر پیشانی آنها زده میشد (گرچه بقدر کافی هستند) بهی نفت خود را فقط پنج درصد بالا در همین حال عربستان سعودی بعنوان بزرگترین کننده نفت جهان، کشور های دیگر را یازدید نفت خود (تا ۴۰ درصد) و سرازیر کردن آن رزانت بازار های جهان تهدید کرد. پس از (حوجه) نماینده قطر که ریاست اجلاسیه را داشت براه افتاد تا با «میانیگری» یازده کشور را وادار به «تعدیل» در «تعدیل» کند - افزایش ۱۵ درصد بخوبی خود تعدیل بزرگی بود - اینکه ابتدا با ایران که پس از کشور سعودی ترین صادر کننده نفت است و بهمین دلیل اوپک میتواند نقش قاطعی داشته باشد، وارد ه شد سپس از سایر کشورهای دینار کرد و با نتهااد تعدیلی» به عربستان سعودی رفت. خلاصه این بود که عربستان سعودی نیز مانند دیگر های عضو اوپک بهی نفت خود را از همان تویه ۱۹۷۷ (برای حفظ وحدت اوپک و بهی

اطلاعیه مشترک حزب توده ایران و حزب سوسیالیست کارگری مجارستان



روز دوشنبه ۳۱ مه ۱۹۷۷ ملاقاتی میان یانوش کادار دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان و ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران انجام گرفت. در این ملاقات که در محیط صمیمانه و رفیقانه بود و در رابطه با حزب و همچنین درباره مسائل کنونی جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری تبادل نظر بعمل آمد. در این ملاقات آندراش گنش دبیر مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان نیز حضور داشت.

بمناسبت شصتمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

ارزیابی ها و گواهی ها

چنانکه من در گذشته دیده ام، اگر دولت اتحاد جماهیر شوروی از صحنه سیاست بین المللی ایران غایب شود، برای ما در هوای آزاد هم تنفس دشوار است. (دکتر محمد مصدق)

«انقلاب روسیه روح افسرده آزادیخواهان ایران را جوان و زنده نمود و من در نتیجه انقلاب مزبور باز خود را برای دخول در جامعه نگارندگی حاضر ساخته و تشکیلات سیاسی دموکراتها نیز بیشتر این اقدام را تسریع نمود.» (ملک الشعراء بهار، دیباچه نوبهار سال ۱۲، دوره ۴)

افشای رژیم ترور و اختناق در مطبوعات جهان

روزنامه «مورنینگ استار» ارگان حزب کمونیست انگلستان اخیراً اطلاع داده است که دوتن از نمایندگان حزب کارگر در مجامع یعنی «استن نیونس» و «فلچر» به سفارت ایران در لندن مراجعه کرده و به نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کرده‌اند. آنها در باره اقدامات ساواک و اعتراف شاه به فعالیت ساواک در انگلستان نگرانی خود را ابراز داشته اند. دو نماینده حزب کارگر به این امر که دارند گنبد ایدئولوژی اشتراکی در ایران بیلی میز محاکمه کشیده میشوند، حق انتخاب آزاد وکیل مدافع را ندارند، شکایت میشوند و هیچ ناظر خارجی حق شرکت در دادگاه آنها را ندارد، اعتراض نموده‌اند.

«استن نیونس» نماینده حزب کارگر در پارلمان انگلستان از جمله نویسندگان جزوه‌ای است که اخیراً با نام «ایران: امپراتوری ستم شاه» از طرف کمیته ضد اختناق ایران انتشار یافته است. در این جزوه گفته میشود پس از کودتای ۱۹۵۳ علیه مصدق، در دنباله در صفحه ۲



ملت ایران خاطره لنین و دوستی کشور صلح دوست او را عزیز می‌شمارد. زیرا فراموش نمیکند که لنین و کشور شوروی از همان آغاز تاریخ خود دست دوستی بخیر ملت ایران گراز کردند و زنجیر های اسارتی که تزارها بگرفتند ما گذاشته بودند در هم شکسته، عهد نامه های ظالمانه ای را که بر این ملت تحمیل شده بود و بیمان شوم ۱۹۰۷ را که جهانخواران آنروز بزبان ما بسته بودند، پاره کردند. آری مردم ایران دوستی شوروی و ایران را عزیز می‌شمارند. (دکتر علی اکبر فیاض استاد دانشگاه پیام نو، شماره ۵، سال ۱۳۲۵، صفحات ۳ - ۴)

«ما با دولت بزرگ و پر ثروت و پر جمعیت و توانائی در سراسر شرق و شمال همسایه ایم و این دولت اتحاد جماهیر شوروی است. ما باید با این همسایه و این دولت عظیم که تزار های مختلف را با قانونی یکپوخت بهم اتصال داده و آنها را بحرکت سربری واداشته است آشنا باشیم، دوست باشیم و یکدیگر را بخوبی بشناسیم.» (ملک الشعراء بهار، پیام نو، سال اول شماره ۷، سال ۱۳۱۳، صفحه ۲۸)

«این سفری که باتحاد شوروی کردم نخستین سفر من به آن سرزمین پس از انقلاب اکتبر و برقراری حکومت شوروی بود. دولت شوروی قوام کامل یافته دنباله در صفحه ۲

«علاقه ایرانیان به لنین از اینجهت است که این مرد بزرگ همواره نسبت به میهن عزیز ما ابراز علاقه کرده و کمبهای فراوانی که در تشدید روابط حسنه بین دو دولت دوست و همسایه مؤثر بوده است

درگذشت



با اندوه فراوان از درگذشت رفیق حزبی ما بایرام محمد مدرس که در اثر سکته قلبی در سن ۶۲ سالگی در شهر عشق آباد روی داد اطلاع یافتیم. رفیق قید درسال ۱۳۱۸ در دوران رضا شاه زندانی شد. پس از تشکیل حزب توده ایران جزو نخستین رفقای ترکمن بود که به حزب ما پیوست. وی در بندر شاه مسئول کمیته حزبی این شهر بوده است. در دوران مهاجرت یادنامه تحصیل و نیل بدرجه د نازد علوم فیلولوژیک، در رشته و زبان و ادبیات ترکمن تحقیق میکرد و از مترجمان رباعیات عمر خیام از فارسی به ترکمنی است. خاطره رفیق مدرس در قلوب همزمان و دوستانش پایدار خواهد بود.

نتیجه زبانش تامله امیرالیسم

اولیکبارکتها وانحصارات نفتی امیرالیستی وامیرالیست هاست. عربستان سعودی با ابراز خشونی پیروزمندانه از اینکه یازده کشور عضو اوپک از افزایش پنج درصد در ماه ژوئیه ۱۹۷۷ صرفنظر کرده اند. خواستار کم کردن آن ده در صد افزایشی شد که اکثریت مطلق اعضای اوپک در پنج ماه پیش تصویب کرده اجرا نمودند و نفت خود را نیز بفروش رساندند. تازه عربستان سعودی پس از شش ماه قبول کرده است که بهای نفت خود را اینک که دیگر کشورها از پنج در صد صرفنظر کرده اند بده در صد برساند. ایران که تا امروز قبولی خود را در مورد حذف افزایش نفت در صد در ماه ژوئیه رسماً اعلام نکرده و فقط بعضی جراید دولتی خبر «هرالد تریبون» را ببلون تفسیر و اعتراض منتشر کرده اند. عمل خود را چگونه توجیه میکند؟ شاه که مکرراً موضع خود را در اجرائی تصمیمات حوجه غیر قابل تغییر ثابت و محکم جلوه میداد چه تفسیری برای این عقب نشینی شمشامانه دارد؟ گفته میشود که ۱۶ در صد از تولید نفت ایران کم شده است بسیار خوب چه مانعی دارد؟ مگر نه اینستکه شاه مکرر فروش بی و پندبار نفت خام را که ماده غیر قابل تجدیدی است نادرست و نا معقول خواند؟ حالا چه عیبی دارد اگر دست کم شش تا هشت درصد نفتی که برای خرید جنگ افزار و چپاول و غارتگری زالو های داخلی و خارجی مصرف میشد برای مردم ایران بماند؟ مانع تنها مخالف حفظ وحدت هراوپک و یا هزاسمان دیگری که تعلقه مقاومتی در مقابل امیرالیسم باشد نیستیم، بلکه برعکس قویاً جنبه دار آن هستیم. اما حفظ وحدت نباید وسیله ای برای توجیه اقدامات ضد ملی و مستعسکی برای پویشاندن نقش تخریبی عوامل امیرالیسم در درون اینگونه سازمانها باشد. ما اینگونه نقشه تخریبی را افشا و بر ملا میکنیم. دولت ایران که اقتصاد خود را بر پایه درآمد نفت نهاده سیاست نظانیگری را در پیش گرفته و تبعیت از امیرالیسمها و در درجه اول امیرالیسم آمریکا را مبنی اساسی سیاست خود قرار داده، بویژه در آستانه سفر شاه بامریکا، قادر نیست حتی با وجود مشکلات عینی که با آنها روبرو است، راهی جز سازش در پیش گیرد.

د کفرانس ملی کار

که معایب عمیق اقتصاد ایران بیشتر از آن بر ملا شده که بتوان آنها را پوشاند و مطبوعات خارجی «اکنونویست» و «گاردین» در مقالات خاصی مطالب را علنی کرده اند. دومین مسئله دستور کفرانس کار یعنی مسئله مسکن کارگران نیز در واقع آنهم بازتابی است از یکی از بزرگترین نا بسامانیهای اجتماعی روز در ایران و در عین حال کوششی است برای ایجاد توازن در دستور جلسه، و پارسیکی است در مقابل تشدید بهره وری کار که محتوی اصلی کفرانس بود.

آنچه که در قطعنامه کفرانس در باره «یکسان کردن دستمزود کارگران در کار های مشابه» ایجاد رابطه منطقی بین افزایش دستمزود و بهره وری (و نه هزینه زندگی) «تقلیل منایعات در واحد های تولیدی و بر این اساس تجدید نظر اساسی در قانون کار» و بالاخره باز کردن دست کارفرمایان به باز خرید مدت بیمه کارگران و باز تنهتسه کردن آنان آمده، بطوریکه کفرانس در چارچوب تشدید بیش از پیش جنبه های ضد کارگری سیاست رژیم است که از مدتی پیش دنبال میشود و هدف آن سرکوب جنبش کارگری و ایجاد شرایط مطلوب برای افزایش بهره کشی از کارگران و تقویت بیش از پیش سرمایه داران بزرگ است. این نکته هم لازم بیاد آوری است که در دومین جلسه عمومی باصطلاح «کمیسیون شاهنشاهی» که امروز سی و یکم اردیبهشت یعنی تنها چند روز پس از کفرانس ملی کار تشکیل شد، نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بر قابلیت اجرائی طرحهای کاهش منایعات و افزایش ظرفیت ۸۱۷ واحد صنعتی بخش غیر دولتی سرمایه داری (باصطلاح خصوصی) را در صورتی امکان پذیر دانست که ۱۲ مطلب مورد توجه قرار گیرد. از جمله: کمبود کارگر ماهر - کمبود مهارت فنی کارگران - ماده ۳۳ قانون کار - جایجایی سریع کارگران ما بین واحد های تولیدی و نقش مقررات انضباطی کارگاهی. از اینها که برشمریم سه تاییش مستقیماً جنبه خشونت آمیز ضد کارگری دارد. با تفر ماده ۳۳ قانون دست کارفرما در اخراج کارگران مزاحم، کاملاً باز میشود. جلوگیری از جابجایی و کارگران هفتش وابسته کردن کارگران بیک کارخانه و کارگاه با دستمزود نازل و غیر واقعی است. بالاخره عبارت تقض مقررات انضباطی کارگاهی خود بقدر کفایت گویاست و بمقتور جلوگیری از انضباطات و هرگونه مبارزات کارگری پیشنهاد میشود.

مسئله مسکن کارگران

شایان توجه است که در تمام «کفرانسهای ملی کار» که تاکنون تشکیل شده، مسئله مسکن کارگران همواره یکی از موضوعات مورد گفتگو بوده است. حسین قریانی نائب رئیس «سازمان کارگران ایران» طی سخنرانی خود در کفرانس در این باره چنین گفت: نزدیک به ده سال است در کفرانسهای ملی کار صحبت از تأمین مسکن برای کارگران شده و حتی در یکی از کفرانس ها جناب آقای هویندا نخست وزیر زبان بافتاد گشودند و گفتند: «اگر اشخاصی که مسئول این کار هستند از خانه بیرون بیایند و مدتی زیر چادر زندگی کنند آنوقت خانه ساخته خواهد شد. بیهیبه است کسیکه در مسکن ندارد فقط ملا لفتی (۱) حرف میزند. اگر با این سرعت پیش برویم هویندا که صاف شده انجام نخواهد گرفت. من هشدار میدهم کاسه صبر لبریز شده و دیگر انتظار ندارم همکاری که در سطوح مختلف این مسئولیت ها هستند تامل نمایند. ما این تامل را قبول نخواهیم کرد. در زمان انقلاب تامل خیانت است. هویندا در کفرانس کتونی با گفتار و رفتار خویش صحت احکام قبلی خود را بغویب ثابت کرد و نشان داد که کاخ نشین ها و دارندگان انواع قصرها و خانه های وسیع و مجلل در شهر و جنگل و دریا کنار و جزیره کیش و همچنین در امریکا و اروپا - یعنی از شاه و خانواده اش گرفته تا دیگر گردانندگان رژیم و از جمله شخص هویندا که در مسکن ندارد عوام فریبی میکنند و بشکر خانه سازی برای کارگران نیستند. نخست وزیر بهنگام گشودن کفرانس باقیامه جدی گفت: «در موضوع تأمین مسکن برای کارگران دولت همواره با جدیت پیگیر این مسئله بوده است. ولی در آخرین لحظات کفرانس او که میدانست هرچه در باره تأمین مسکن کارگران گفته اند و میگردند

افشا رژیم ترور و اختناق

ایران مانند خیلی یکدوران اختناق حکمفرما شد. شاه برای آنکه پرسرکار بماند، دستگاه اختناق وسیعی با کمک موسوا (سازمان امنیت اسرائیل) و سیا تشکیل داد. شخصیهای سیاسی، کارمندان کشوری، روزنامه نویس، اعضاء اتحادیه های کارگری و بسیاری دیگر با قساوت از کار اخراج، زندانی، شکنجه و اعدام شدند. چهار سال پس از آنکه شاه بقدرت رسید دستور داد که اعضای دو مجلس، دو حزب سیاسی گوش بفرمان تشکیل دهند. شاه در کتاب خود بنام «ماوریت من برای وطن» نوشته است: «من چون شاه کشور مشروطه هستم دلیلی نمی بینم که مشوق تشکیل احزاب نباشم و مانند دیکتاتورها تنها از یک حزب دست نشانده خود پشتیبانی نمایم، اما هنگامیکه شاه در سال ۱۹۷۵ خواست حزب واحد رستلخیز را تشکیل دهد اعلام کرد که ممکن نبود بهمان آیووسون مطیع نقش واکذار کرد. در سال ۱۹۷۵ نودویچ درصد روزنامه ها و مجلات در ایران توقیف شدند، هزاران روشنفکر زندانی افتادند، شکنجه دیدند و برخی از آنها اعدام شدند. روحانیان چون حاضر به مدیحه گوئی از شاه نشدند، بازداشت و مورد شکنجه قرار گرفتند. در ایران زبان فارسی یکنانه زبان مجاز کشوری و آموزش، گفتگو و مکتبه بهر زبان بومی دیگر ممنوع است.

در جزوه «ایران: امپراتوری ستم شاه» گفته میشود: طی چند سال اخیر انضباطات و مقاومت های کارگری پیوسته گسترش مییابد، شماره روشنفکرانی که قادر به تحمل رژیم هستند، دائماً کمتر میشود. اعتراض روحانیان علیه محدودیتهای که در باره آنها انجام میشود، دامنه گسترده تری میگردد و خلفهای ایران (از جمله کردها) مبارزه خود علیه رژیم ادامه میدهند.

بمقتور توجیه بی اعتدالی رژیم باین خواست حیاتی کارگران است ناگهان بقول روزنامه اطلاعات خود را به لودگی زده و مانند «دش قاسم» در سریال تلویزیونی «دانی جان ناپلئون» دست خود را بالا برده و گفته وعده چرا آقا...! «هر صاحب صنعتی که بخواهد خانه سلامتی بسازد قول میدهم ترتیبی داده شود که زمین در اختیارش گذاشته شود و ایستوارم تا قبل از تشکیل کفرانس دهم کار، حد اقل کلنگ خانه های سازمانی بوسیله صاحبان بزمین زده شود.»

این در حرکت نخست وزیر البته باعث خنده حضار شد ولی او ضمن شوخی حتی الزام ظاهری قطعنامه را زیر پا گذاشت و صاحبان صنایع را در ساختن و یا ساختن خانه های سازمانی صاحب اختیار دانست و سپس تا سال آینده وعده زدن احتمالی چند کلنگ بزمین را داد. چه کاری از این ساده تر؟ چند نفر کلاه سیلندری دور هم جمع میشوند و کلنگی در بیابان بزمین میزنند و بی کار خود میروند. این کلنگ زدن ها خود نوعی وعده بدون پشتوانه دادن و یکی از حقه های قدیمی برای فریب زحمتکشان است.

این شوخی بیجای نخست وزیر را اگر در زمینه وضع تم انگیز مسکن کارگران مورد توجه قرار دهیم به بی تفاوتی جنایتکارانه گردانندگان رژیم نسبت به سرنوشت خانواده های کارگری بهرزیتر پی خواهیم برد. در کفرانس آمار های گوناگونی در مورد وضع مسکن کارگران ارائه گردید. از جمله گفته شد: چهل در صد کارگران در خانه های اجاره ای - هشت درصد در خانه های سازمانی - چهار در صد در مسکن بلا عروس و سه و نیم در صد در خانه های رهنی زندگی میکنند. بقیه یعنی حدود ۴۵ در صد خانه های شخصی دارند. اما این «دارندگان» خانه های شخصی اکثرآ روستائینی هستند که در روستا های همجوار مراکز صنعتی، خانه های روستایی از خشت و گل دارند. بهمین جهت ۹۲ در صد این صاحب خانه ها، از کمی اتاق و نامناسب بودن تجهیزات خانه ها شکایت دارند.

در بررسی ها همچنین گفته شد که ۹۹٫۱ در صد یعنی تقریباً همه کارگران اجاره نشین از گرانی اجاره خانه از بدی محله و کمی تعداد اتاق ناراضی هستند. در مورد گرانی کرایه خانه «گروه محققان» به کفرانس چنین گزارش داده اند: در سال ۲۵۲۰ (یعنی ۱۳۵۰) اجاره بهای مسکن ۱۵ تا ۲۵ در صد درآمد و جمع هزینه های زندگی کارگران را تشکیل میداد، در حالیکه شاخص های بانک ملی در پنج سال

ارزایی ها و گواهی ها

بود و با سرعتی شگرف که در تاریخ جهان نه از ذخیره عظیم ملل خود نیروی کرد آورده دیگر در ترازوی جهان کسی نمیتوانست آنز بگیرد. سازندگان پی های خلودانی این سنا عظیم که بزرگترین بنا های فزوند آبی بو احترام و اعجاب همه جهانیا را جلب کرده؛ (سعد نفیسی - زندگی و کار و ماکسیم گورکی - تهران ۳۵ صفحات ۲ - ۴)

دبار ستر سبتم و در اکتبر ۱۹۱۶ چا پیش از شروع انقلاب به روسیه رفتم و در پط آروز و لنینگراد امروز اقامت کردم تا بوسیله مبدائیه سفرم را بگیرم و راه دریاهای دور را آه اما وجود زیر درانیهای آلمان در آبهی ساحلی مدافع از این سفر شد و در همین هنگام بود که انقلاب آغاز شد و شورش بزرگ همه جانبه ای در ... من از نزدیک لنین را دیدم و در سخنرانیهای او حاضر بودم. در آتموع سن زبان روسی را تکلم میکردم و حرفهای لنین را خیلی خوب میفهمیتم و اینقدر باور کنید روزیکه لنین در پالکن بنای کارگری شهر پتروگراد اعلامیه امضا خواند و من در پالین این بجزره ایستاده بودم، تحت تأثیر و زیر نفوذ کار شگرف او قرار میدادید در آروز عظیم لنین چه گفت؟ او قرار جملات نطق انقلابی خودش الفای قرارداد تقسیم بین روس وانگلیس، چشم پوشی از همه مزایا و مالی دولت تزاری در ایران، الفای کاپیتولاسیون نقطه نظر دولت تازه شوروی اعلام کرد. کلمه برای من که در آن پالین ایستاده بودم در ح شدن درجه ای بسوی آزادی، بسوی نجات ملت بود. (از خاطرات سید ضیاء الدین طیار - تهران مصور - مورخ اسفند ۴۲)

بالاخره لنین اعلام نمود که عهدنامه روس وانگلیس را پاره کردم و کلیه امتیازات جابر تزاری در ایران ملغی است. این تظاهرات هیجانی در افکار عمومی ایران کرد و مردم غرق شدند و به یکدیگر تبریک میگفتند.

(دکتر متین ففتری - خاطراتی از عقوفان جوانی، سالنامه دنیا - سال ۱۳۴۰ - صفحه ۶)

یک عامل خیلی بزرگ و بسیار مهم که در آزادی سیاسی داخلی مؤثر بود، بلکه در خارجی و بقای استقلال ایران مؤثر ترین عامل و ترین سبب بود... انقلاب بزرگ روسیه بود ۱۳۳۵ (۱۹۱۷ مسیحی) که در موقع خود نسب ایران نعمت عظمی و در واقع یک موهبت الهی بود مملکت که از آن راه کرامت شده... آنل و سرنگون شدن رژیم امپراطوری برای ایران بزر واقعه تاریخی ۱۵۰ سال اخیر بود و هیچ شکی که اگر در پایل جنگ اول جهانی آن انقلاب نیامده بود امروز نه از ایران و نه از ترکیه اثری نداشت و یکباره بکام ازدها رفته بودند... آنل در حکم باز کردن طباب از گلوئی یک معلول آخرین نفس بود.

(سید حسن تقی زاده «تاریخ اوایل ایلان» مشروطیت ایران، تهران - ۲۳۸ صفحات ۶۷ - ۶۶)

گذشته نشت میدهد که نرخ مسکن و اجاره ها وحشتناکی افزایش پیدا کرده و امروز این رقم بالای پنجاه در صد درآمد او را دربر میگردد نتیجه گیری ببلون هیچ توضیح اضافی کویولی شدید زندگی بر خانواده های کارگری بخفا خانواده های پر اولاد است.

بیکار طبقاتی درمهم ما ایران پیوسته دامن میگردد. رژیم که نماینده سرمایه داری بزرگ و وابسته به امیرالیسم است میکوشد زنجیر اشارت توده های زحمتکش را سنگین تر کند طبقه کارگر چند میلیونی ایران هم دیگر از کافی برای مقابله با توفنده های رژیم برخوردار بویژه اگر این نیرو با آگاهی طبقاتی ترکیب ناخوس مرگ رژیم طنین خواهد افکند.

ک. پوز آذر